

رسالت رسانه های جهان اسلام در تحقق گفتمان وحدت اسلامی



دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی تاکید کرد: ویژگی مؤلفه قدرت منفردان تولید زنجیره اعتماد و حمایت است.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید شهرباری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در سخنانی که چندی پیش با عنوان "رسالت رسانه های جهان اسلام در تحقق گفتمان وحدت اسلامی" در کنفرانس مناره ایراد کرد، بر نقش بی بدیل رسانه های جهان اسلام برای همگرایی اسلامی تاکید نمود.

متن کامل سخنرانی دکتر شهرباری در ادامه آمده است:

حمد و سپاس خدای را که به ما چنین فرصتی عطا فرمود که اصحاب رسانه را خدمت کنیم. این فرصت را بسیار مغتنم می دانم که پیرامون وحدت و رسانه خدمت مخاطبان محترم مطالبی را عرض کنم. اگر تأمل کنیم که مهم ترین مؤلفه عصر فضای مجازی در زمان ما چه هست، این مؤلفه ارتباط وثیقی با حاکمیت،

شهروندان، مفهوم وحدت و رسانه پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد که مهم‌ترین مؤلفه عصر حاضر که بعضی‌ها آن را عصر فضای مجازی نام نهاده‌اند تقویت قدرت شهروندان منفرد و تقلیل و فروکاهش اقتدار دولت‌هاست. ما در عصری زندگی می‌کنیم که قدرت دولت‌ها روبه‌کاهش و قدرت شهروندان روبه‌افزایش است. اگر زمانی ما مشاهده می‌کردیم که حاکمان و رؤسای دولت‌ها اراده‌ای و آن را به شهروندان خودشان تزریق می‌کردند و شهروندان نیز تابع آنها بودند و به عبارتی قدرت از ما فوق به سوی سطح اجتماعی تزریق می‌شد. اما امروز شاهد این هستیم که از بدنه اجتماعی تولید قدرت شده که این تولید قدرت به سمت بالا صعود می‌کند و حاکمان را تحت فشار قرار می‌دهد و موجب محدودیت اقتدار دولت‌ها می‌شود.

این اتفاق و رویداد باعث شده عصر ما، عصر منفردان باشد؛ منفردانی که تحت شبکه‌های اجتماعی مقتدر شده‌اند و می‌توانند اراده خودشان را به دولت‌ها و مدیران دستگاه‌های خودشان تحمیل کنند. این اقتداری است که بر اثر شبکه اجتماعی حاصل شده است. این اقتدار البته فقط به وسیله شبکه‌های اجتماعی ایجاد نشده؛ بلکه مؤلفه دیگری با عنوان تعامل و خدمات به وسیله بلاکچین یا زنجیره همتایان در حال ایجاد است که یک سونامی در پیش است و هنوز تبعات فروکاهش اقتدار دولت‌ها به ما نرسیده است.

ما هنوز شاهد این نیستیم که چگونه ابداع بلاکچین در بستر شبکه‌ها می‌تواند مجدداً اقتدار دولت‌ها و مؤسسات دولتی را کاهش دهد؛ اما آنچه امروز می‌بینیم آن است که اقتدار دولت‌ها توسط شبکه‌های اجتماعی تقلیل پیدا کرده است.

در اینجا مفهوم دیگری مطرح می‌شود که نام را «تصاعد شبکه‌ای» گذاشته‌اند. یکی از مؤلفاتی که باعث می‌شود اقتدار دولت‌ها کاهش پیدا کند تصاعد شبکه‌ای است. تصاعد شبکه‌ای را اگر در مقابل تصاعد حسابی و تصاعد هندسی در نظر بگیرید، در تصاعد هندسی و پنج پله از عدد ده به عدد بیست، سی، چهل و پنجاه می‌رسیم. در تصاعد هندسی، عدد ده در چند پله به ده‌هزار و صد هزار می‌رسد اما در تصاعد شبکه‌ای ده نفر را فرض بگیرید که اینها با هم یک گروهی را تشکیل داده باشند. هرکدام از این ده نفر در پنج گروه دیگری که حداقل دویست نفر عضو دارد، عضویت دارد و بدین ترتیب هرکدام از آن ده نفر، هزار نفر مخاطب رسانه‌ای دارد و از عدد ده ناگهان به عدد ده‌هزار می‌رسید که اگر این ده‌هزار نفر هرکدامشان در پنج گروه دویست نفره عضو باشند، در پله دوم از ده‌هزار نفر به ده میلیون نفر و در پله سوم به ده میلیارد نفر و در پله چهارم به صد میلیارد نفر می‌رسیم. این را مقایسه کنید با آنچه که در آن دو تصاعد اتفاق می‌افتد.

رسانه در بدو امر تلویزیون بوده که من آن را به تصاعد حسابی تشبیه می‌کنم. مخاطبانش از ده تا پنجاه، پنج پله طی می‌کنند؛ اما وقتی که وی‌اودی یا شبکه‌های پخش فیلم بر مبنای تقاضا شکل گرفت یک تصاعد هندسی شکل گرفت؛ یعنی در پنج پله ما از عدد ده رسیدیم به عدد صد هزار! ذاتش این‌طور بوده است. اما وقتی شبکه اجتماعی شد، با اعداد دیگری مواجه هستیم و ناگهان در پنج پله به صد میلیارد هویت می‌رسیم.

این اولین اتفاق و رویدادی است که در عصر حاضر رخ داد. شبکه اجتماعی شبکه‌ای بوده که اقتدار دولت‌ها را کاهش داده است. البته این اتفاق فقط در کشور ما نیفتاده؛ بلکه تمام دولت‌ها اقتدارشان به دلیل تصاعد شبکه‌ای و همبستگی قدرت شهروندان منفرد کاهش پیدا کرد.

اتفاقی که در مهر و آبان‌ماه سال گذشته افتاد اتفاق عجیبی برای همه ما بود. شاید خیلی از ما انتظار چنین اتفاقی را نداشتیم؛ ولی اگر خوب تحول در رسانه را بررسی کنیم دیگر تحلیل آن برای ما مشکل نخواهد بود.

تحولی که باعث تصاعد شبکه‌ای شد این بوده که ما قدرت شهروندان منفرد که در قبال دولت‌ها و حاکمیت‌ها دارای هیچ قدرتی نیستند؛ ولی وقتی به هم پیوند می‌خورند و پیوندشان به نحو تصاعد شبکه‌ای می‌شود یک قدرتی ایجاد می‌کنند که دیگر به سادگی قابل شکست نیست. ما باید این قدرت را باور کنیم و برای آن نقشه داشته باشیم.

دشمن در مهر و آبان‌ماه بهتر از ما این قدرت را فهمید و از این قدرت و در بستر این قدرت ارزش انقلاب اسلامی را که وحدت بود شکاند. ما شاهد یک گسست و شکستی در اغتشاشات اخیر بودیم. البته در اغتشاشات اخیر مؤلفات متعددی اثرگذار بودند و همان‌طور که جناب آقای دکتر ابراهیم فرحات فرمودند حتما برنامه ریزی و نقشه دشمن در صدر آن‌ها قرار دارد؛ چون هیچ شبکه‌ای نیست الا اینکه با ده نفر شروع می‌شود. شما تصاعد شبکه‌ای هم بخواهید داشته باشید باید ده نفر حداقل داشته باشید که بعد ده نفر به هزار نفر هرکدامشان وصل شوند تا بشوند صد هزار نفر. طبیعتاً اگر آن سرحلقه‌ها را برنامه ریزی و ساماندهی کنید می‌توانید نتیجه بگیرید و این طبیعی است و دشمن خوب فهمید، خوب برنامه ریزی کرد و خوب نقشه کشید. اگرچه به قول رهبر معظم انقلاب حساب بعضی چیزها را نکرده بود! ما مشاهده می‌کنیم اتفاقی و رویدادی که رخ داد، باعث شد اجتماع منفردان با تصاعد شبکه‌ای که می‌توانست در اختیار وحدت قرار بگیرد در اختیار تفرقه قرار گرفت.

هویت متکثر منفردان نیز بحث دیگری است که در این حوادث خود را نشان داد. به عبارتی یک فرد می‌تواند پنج نقش اجتماعی ایفا کند. ممکن است یک اسم داشته باشد؛ اما وقتی حرفه او را فهرست می‌کنند، می‌بینند که در گروه‌های مختلفی عضو هست و هویت متعدد و متکثری دارد. ممکن است یک نفر هم استاد دانشگاه، هم حوزوی، هم فعال فضای مجازی، هم عضو در گروه فامیل و هم عضو در گروه دوستان خود باشد. چنین فردی با عضویت در چند گروه دارای چند هویت شده و زمانی که یک پیام تولید می‌کند، بین هزار نفر توزیع و موجبات تصاعد شبکه‌ای را فراهم می‌آورد. در این تصاعد شبکه‌ای آنچه که توزیع می‌شود هم می‌تواند یک تهدید باشد و هم یک فرصت؛ اگر تفرقه ایجاد کند یک تهدید و اگر وحدت ایجاد کند یک فرصت است.

علاوه بر این فقط اخبار و اطلاعات در این شبکه‌ها توزیع نمی‌شود؛ بلکه شبکه‌های اجتماعی کار توزیع اعتماد را نیز انجام می‌دهند. این است که شما می‌بینید «نسل آلفا» یا «نسل زد» که همین دهه هشتادیه‌ها هستند - نه در ایران و نه در دنیا - اصلاً تلویزیون نگاه نمی‌کنند؛ یا خیلی کم نگاه می‌کنند. نسل آلفا آن چیزی که دارد این است که یک شبکه اعتماد بر بستر زنجیره شبکه‌های اجتماعی تولید کرده و این اعتماد را به نفع تصاعد شبکه‌های توزیع می‌کند و ناگهان یک گروهی ایجاد می‌شود که تا قبل آن اصلاً نبوده است. این‌ها قدرت دارند و این قدرت می‌تواند در خدمت یا در خدمت تفرقه قرار گیرد.

بنابراین، ویژگی مؤلفه قدرت منفردان تولید زنجیره اعتماد و حمایت است و یکی از مهم‌ترین آن‌ها گریز از مقررات و تقلیل مقررات دولتی است؛ یعنی دیگر دولت‌ها نمی‌توانند به گروه‌های دوستانه امرونهی کنند. خیلی توان به خرج دادیم و گفتیم که گروه‌های بالای پنجاه هزار عضو باید مجوز بگیرند! این نهایت کاری است که می‌توانیم بکنیم. ما که نمی‌توانیم همه گروه‌های صدمیلیاردی را مجوز بدهیم یا محتوايش بررسی کنیم. قدرت شبکه نیز در این است که معلوم هم نیست یا کی طرف هستید چرا که نامتقارن عمل می‌کند و این‌طور نیست که با ده نفر شروع بشود. هر نقطه از شبکه را که دست‌گیری ممکن است رأس شبکه باشد؛ ولی درعین‌حال هیچ رأسی ندارد. وقتی نگاه می‌کنید مثل یک تور فوتبال است که سر و انتهایش مشخص نیست. گرهش یک کانال، یک گروه و یک رسانه است؛ اما سر و ته ندارد و لذا نمی‌شود مدیریتش کنی و از ذیل مقررات دولتی خارج می‌شود. بنا بر این رسانه‌ای نوین، حاکمیت دولت‌ها را تقلیل داده و شهروندان منفرد را تقویت کرده‌اند.

این اتفاق یک انقلاب اساسی است که دنیا را دچار تحول می‌کند. دشمن این ویژگی را خوب شناخت و از آن

بهره‌برداری کرد و در بستر این مزیت شبکه‌ای اتفاقات مهرماه و آبان‌ماه رقم خورد و ما شاهد این بودیم که وحدت دچار گسست شد. امروز هر فرد یک رسانه است و اصلا رسانه دیگر غیرمتمرکز و نامتقارن است و قابلیت مدیریت ندارد. این موضوع دیگر دست من و شما نیست، دست آحادی است که در این شبکه مکعبی که عرض کردم در حال شکل‌گیری است.

آخرین نکته ای که می‌خواهم عرض کنم در ادامه سخنان جناب آقای دکتر زائری است که به موضوع انصاف اشاره داشتند؛ ولی من می‌خواهم به نکته اضافه‌تری اشاره کنم. ما در گذشته یک سری صداها شنیده داشتیم و افرادی حرف‌هایی داشتند که شنیده نمی‌شد و لذا وقتی این شبکه و قدرت منفردان شکل گرفت این صداها شنیده شد. دشمن از این شنیده‌نشدن بعضی صداها استفاده کرد و بر بستر شبکه‌های ماهواره‌ای مثل ایران اینترنشنال و بی‌بی‌سی و امثال این‌ها - که تخم فساد این فتنه‌ها را پروردند - از این بستر استفاده کردند و یک چیزهایی که ما نمی‌توانستیم پخش کنیم و نمی‌توانستیم بیان کنیم را بیان کردند.

آقای فرهاد خیلی صحبت‌های فشنگی کرد یکبار دیگر به صحبت‌های ایشان گوش کنید، ایشان به‌عنوان مدیر رسانه یک پیام داد و گفت ما می‌خواهیم یک چیزهایی را پخش کنیم اما می‌گویند پخش نکنید! حاکمیت نمی‌تواند خیلی حرف‌ها را بزند و نباید هم خیلی از حرف‌ها را بزند؛ ولی درعین‌حال مردم مشتاق شنیدن هستند. قدرت شبکه منفرد اقتضا می‌کند که حرف‌ها شنیده، تولید و در رسانه تکثیر شود و با طی پنج پله به صد میلیارد مخاطب برسد. به نظر من راه‌حل این مشکل توجه به بسیج شبکه‌ای برای ساخت اجتماع منفردان است. هر وقت دشمن از هرکجا حمله کرد ما باید از همان جا به او حمله کنیم؛ اگر او با قدرت منفردان به میدان آمده ما با قدرت دولتی نمی‌توانیم مقابله کنیم و حتما شکست می‌خوریم؛ بلکه باید با قدرت خودش به میدان بروید و آن قدرت، فرد - رسانه انقلابی و مقاومتی است.

من اسم این حالت را «بسیج هویت متکثران منفرد مقاومتی» گذاشتم که وظیفه خودشان را جهاد تبیین می‌دانند. باید شبکه‌های بومی که به مقررات پیوندند و روش‌های خودکنترلی دارند به این شبکه‌ها اضافه کنیم.

پیشنهاد آخرم نیز این است که به سمت خصوصی‌سازی رسانه پیش برویم و اگر این کار را نکنم مطمئن باشید شکست‌های متعددی خواهیم خورد. نظام خصوصی می‌تواند خیلی چیزها را پخش کند، هویتش را هم خصوصی به عهده بگیرد، متعهد به چهارچوب‌های نظام باشد ولی می‌تواند خیلی چیزها را پخش کند، اگر پخش کرد ما به او ایراد نمی‌گیریم که چرا پخش کردی! چرا که او خواهد گفت که من حاکمیت نیستم و

لذا پیام داخل یک رسانه خصوصی انقلابی یا طرفدار نظام یا حداقل خنثی نسبت به نظام دیگر ابزار دشمن نمی شود که جوانان را به سمت کانال‌هایشان بکشد.

در کنار توسعه شبکه های خصوصی، باید به فکر ترویج «تفکر نقدی» نیز باشیم و اجازه دهیم مخالفان حرف‌هایشان را بزنند، میدان بدهیم سخن بگویند، میدان بدهیم حرف بزنند میدان بدهیم تا به ما اشکال بگیرند و ما تحمل کنیم.